

مارین لوپن خواستار تعطیلی تمام مساجد فرانسه شد

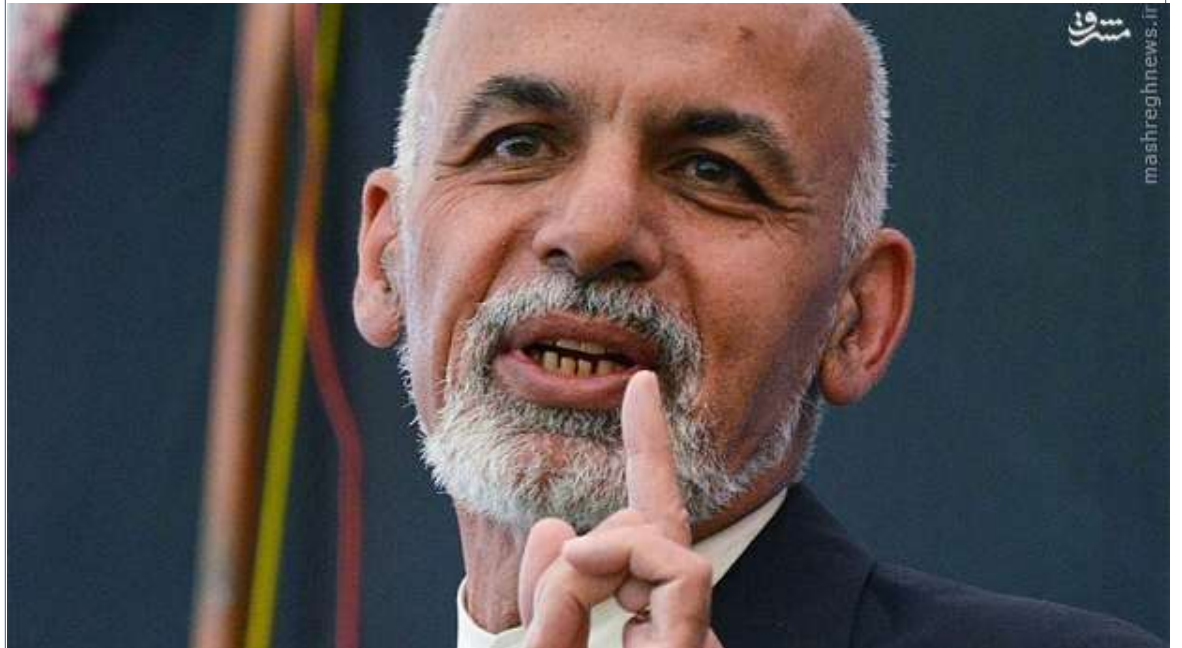
در پی حمله اخیر در فرانسه، مارین لوپن خواستار تعطیلی تمام مساجد در فرانسه شد. احتمال دارد با وقوع حمله تروریستی اخیر، وزنه انتخابات ریاست جمهوری به نفع این نخبه‌آمزد از جبهه ملی فرانسه تغییر کند. به گزارش خبرگزاری آوا به نقل از ایسنا، حمله مرگبار پنج‌شنبه گذشته به بس پولیس فرانسه در پاریس به صورت ناگهانی تبلیغات کمپین انتخابات ریاست جمهوری را تغییر داده و مارین لوپن، رهبر جبهه ملی فرانسه که از نامزدهای پیش‌تاز است، خواستار بسته شدن تمام مساجد در کشورش شده است. لوپن جمعه در یک کنفرانس خبری تلویزیونی خواستار تعطیلی تمام مساجد در فرانسه، اخراج تمام واعظان و تقویت مرزهای کشورش شد. به گفته او، تمام افرادی که در لیست نظارت سرویس‌های امنیتی فرانسه هستند و احتمال افراطی شدن آنها وجود دارد، یا باید از فرانسه اخراج شوند و یا حق شهروندی آنها لغو شود.

انتخابات ریاست جمهوری فرانسه امروز برگزار می‌شود و طبق نتایج نظرسنجی‌ها، رقابت تنگاتنگی بین نامزدها وجود خواهد داشت و هیچ کدام از آنها نمی‌توانند به حداکثر رای لازم دست یابند و انتخابات به دور دوم کشیده می‌شود. دور دوم انتخابات ۱۷ ژوئن برگزار می‌شود. در همین حال نخست‌وزیر فرانسه، مارین لوپن را به سوءاستفاده از این حوادث متهم می‌کند. او تأکید دارد که لوپن قصد دارد پیش از دور اول انتخابات نظر رأی‌دهندگان را جلب کند.

سال چهارم، یکشنبه، ۳ ثور ۱۳۹۶ هجری خورشیدی، ۲۳ اپریل ۲۰۱۷

شماره ۱۲۹

یکه‌تازی رئیس‌جمهور در درون حکومت وحدت ملی



گهر — مریم مهتر

اشرف غنی پس از رسیدن به قدرت، اولین کاری که کرد حذف پسوند (زی) و اضافه کردن (محمد) به اسمش بود. وی خواست با این کارش توجه مردم را به خود جلب نماید و به مردم طوری نشان داد که از قوم و قبیله خاصی نیست. از سوی دیگر با اضافه کردن محمد به اول اسمش، دهن کسانی که عقاید دینی اشرف غنی را مورد انتقاد و بحث قرار می‌دادند، بست. این کار رئیس‌جمهور این‌طور وانمود می‌کند که در افغانستان همه چیز بستگی به «نام» دارد.

نظری

کشته شدن دست‌کم ۷۰ نفر در حمله قول اردوی ۲۰۹ شاهین

منابع محلی افغانستان که خواستند نامی از آن‌ها برده نشود، اعلام کرده‌اند که دست‌کم ۷۰ سرباز در حمله شورشیان مسلح مخالف دولت به قول اردوی ۲۰۹ شاهین در منطقه دهدادی ولایت بلخ در شمال افغانستان کشته و دست‌کم ۸۰ نفر زخمی شدند.

طالبان نیز مسئولیت این حمله را پذیرفته و گفته شمار کشته شدگان بیشتر از آن است که دولت افغانستان اعلام کرده است.

قهار آرام، سخنگوی سپاه ۲۰۹ شاهین به بی‌بی‌سی گفته که در این حمله ۱۲ نفر کشته و ۱۵ نفر زخمی شده‌اند.

برخی از منابع شمار کشته شدگان این حمله را بیش از ۱۳۰ نفر اعلام کرده و گفته بیش از ۱۵۰ نفر نیز زخمی شده‌اند.

محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهوری افغانستان با محکوم کردن این حمله گفته که در این حمله شماری از "سربازان قول اردوی ۲۰۹ شاهین که در حال عبادت بودند، شهید و زخمی شدند".

به گفته منابع دولتی دست‌کم ۱۰ حمله کننده انتحاری بعد از انفجار یک موتر بمب‌گذاری شده در ورودی این پایگاه، وارد آن شدند.

به گفته خبرنگار بی‌بی‌سی در ولایت بلخ، براساس بعضی گزارش‌ها مهاجمان با لباس ارتش و به بهانه انتقال زخمی‌های جنگ تا دروازه سوم این پایگاه پیش رفته و بعد در دروازه سوم اقدام به تیراندازی کرده‌اند.

در دو حمله هوایی در ننگرهار ۲۸ عضو داعش کشته شدند

منابع محلی در ولایت ننگرهار می‌گویند که در دو حمله جداگانه هوایی نیروهای امنیتی کشور در ولسوالی‌های اچین و هسکه مینه این ولایت دست‌کم ۳۰ داعشی کشته و ده‌ها تن دیگر شان زخمی شدند.

عطا الله خوگیانی، سخنگوی والی ننگرهار گفته است در دو حمله هوایی جداگانه نیروهای امنیتی که روز گذشته در ولسوالی های اچین و هسکه مینه این ولایت انجام شد ۲۸ فرد وابسته به داعش کشته و ده‌ها تن دیگرشان مجروح گردیدند.

به گفته خوگیانی در میان کشته شده‌های این حمله شهروندان خارجی نیز شامل می‌باشند.

داعش تاکنون در این مورد ابراز نظر نکرده است. ولسوالی‌های هسکه مینه و اچین از جمله ولسوالی‌های ننگرهار می‌باشد که افراد داعش بیشترین حضور را در این ولسوالی‌ها دارند. هفته گذشته نیز نیروهای امریکایی با استفاده از بزرگترین بمب غیر اتمی این کشور، یک پایگاه گروه داعش را در اچین ننگرهار هدف قرار داده بود که در آن بیش از صد داعشی کشته و زخمی شده بودند.

توغل

عقل افغانی و نفی توسعه‌ی سیاسی



چند جبهه سیادت سیاسی‌اش را تضمین نماید. ارمغان این سیادت مستمر توسعه نقش سلطه خارجی، جلوگیری از نوسازی، نفاق قومی، تشدید فقر و عدم مصونیت برای مردم افغانستان بوده است.

برای این ساختار وضع موجود، وضع مطلوب و موردنظر بوده و در اوتوپیا ذهنی آن مدینه‌ی فاضله‌ی جز تداوم وضع موجود چیز دیگری نیست. مشارکت سیاسی، که نقش عمده‌ی در کاهش تنش‌ها و عقلانی‌سازی اقتدار سیاسی دارد، از منظر این ساختار بدعت و شرک معنی داشته و حمایت از آن مستحق پیگرد و تعقیب است. افراد در نگاه این ساختار، مستقیم متناسب به حمایت فکری وی از نظم سنتی و دشمنی آن با نوگرایی و تجدد ارزش‌گذاری می‌شود. صفحه‌ی ۳

ساختار سنت‌گرا و اما حاکم جامعه‌ی افغانی بیشتر از هر پدیده‌ی دیگر از توسعه سیاسی هراس دارد. توسعه‌ی سیاسی برای این ساختار پیام مرگ‌آور تلقی می‌شود. این ساختار جان سخت و کهنسال که در جریان عمر طولانی‌اش مدام در اتکا به برون نظم اجباری را بر این جامعه تحمیل کرده است، بدون روابط برونی هیچ‌گاه نتوانسته به ایجاد نظم سیاسی در کشور موفق گردد. بقای این ساختار با موجودیت نفاق قومی، زبانی و مذهبی پیوند داشته، و در دامن زدن با آن گونه تفرقه استمرار یافته است.

موجودیت نفاق مستمر، این ساختار کهنسال را قادر ساخته تا با استفاده از این روند، با کسب تجربه‌ی تاریخی، و با بهره‌گیری از مشوره منابع حمایتی، با مدیریت این نفاق در

امریکا؛ جدیت مبارزه با داعش یا مانور سیاسی



خود جلب نمود مخصوصاً مسلمانان در مورد سیاست‌های او لوی اعتراض برافراشتند و خواهان عدالت شدند.

بعد از این حکم دیری نپایید که ترامپ دستور حمله به پایگاه نظامی الشعیرات سوریه را در پی حمله مظنون شیمیایی این کشور به شهرک خان شیکون ولایت ادلب صادر کرد که در آن تسلیحات پیشرفته نظامی کشور سوریه را به خاک یکسان نمود. رئیس‌جمهور ترامپ در پی سیاست‌های پیچیده خود هفته‌ی گذشته حمله مشابه را در ولسوالی اچین ولایت ننگرهار که مشهور به مادر بمب می‌باشد به راه انداخت.

صفحه‌ی ۳

با ورود رئیس‌جمهور ترامپ و تیم کاری‌اش در کاخ سفید سیاست ایالات متحده امریکا بعد از دو دوره یکنواخت، دست‌خوش تغییرات در بخش‌های مختلف قرار گرفت. این مرد نو کار و تازه وارد در دنیای سیاست، و در رأس کشوری چون امریکا که ادعای رهبریت جهان را دارد، در اولین روزهای کاری‌اش بود که حکم تحریم ویزا برای مسلمانان را صادر کرد. هر چند این فرمان توسط دادگاه عالی متوقف گردید و برگه اصلاحی آن بعد از مدتی با عنوان مهاجرین که اقامت‌شان اصلی نبوده و با مجوز قانونی وارد امریکا نگریده‌اند تعدیل یافت، اما نفس این عمل او به شدت اذهان جهانی را به

گپ مردم



حکومت وحدت ملی و تک‌قومی‌سازی قدرت

دهاتی

کاخ سفید در جریان هفته گذشته، با اعزام مشاور امنیت ملی‌اش در منطقه و استفاده از قدرت‌مندترین بمب غیرهستوی در شرق کشور، سکوت را شکسته و سیاستش را در مبارزه با یکی از اشکال تروریسم به روشنی اعلام کرد. استفاده از این سلاح که از روی ناچاری صورت گرفت، نشان داد که ایالات متحده و هم‌پیمانان داخلی و جهانی‌اش در جریان شانزده سال، هیچ‌گونه دستاورد قابل لمس در مبارزه با تروریسم و ایجاد نظام قابل اطمینان در افغانستان نداشته است.

گمانه‌زنی کارشناسان امریکایی، غرض استفاده از آخرین سلاح غیرهستوی بر این پایه استوار بود، که پس از آن دیگر اثری از داعش و موجودیت پایگاهش در منطقه مورد نظر نخواهد بود. ولی برخلاف گروه‌های تروریستی نه تنها نابود نگردیدند، بلکه با قدرت تمام هم‌چنان در منطقه حضورش را حفظ کرده و مانور می‌دهند.

در این مورد گمانه‌زنی‌ها بر این نکته تأکید می‌نماید که پیش از افتادن این بمب در ساحه، تروریست‌ها با استفاده از عوامل نفوذی‌اش که به شکل وسیع درون نظام چیده است، این گزینه آگاه گردیده و منطقه را ترک کرده بودند.

در جریان حوادث خونبار هفته گذشته، حکومت وحدت ملی که به شدت از نفوذ گروه‌های هراس‌افکن رنج میبرد، در حالی‌که به شکل نمادین خود را مصروف مبارزه با داعش نشان می‌داد، در تکمیل قومی‌سازی قدرت و آن هم با گزینش افراد بدنام و راندن مهره‌های مورد نظر، حصار قومی‌سازی قدرت را چند مهره دیگر بالا برد.

به نظر می‌رسد، که رهبری حکومت وحدت ملی آگاهانه درصدد تشدید بحران بوده و در ظاهر در مامشات با بخش‌هایی از تروریسم، اوضاع را به گونه‌ی بنیادی به نفع تک قومی‌سازی قدرت عیار می‌سازد. اشکال مختلف تروریسم را به شکل سیستماتیک و به گونه نامرئی زیر حمایت گرفته و با ایجاد تنش در فضای اجتماعی میان اقوام، آگاهانه می‌خواهد در توسعه تروریسم قومی و انحصار قدرت، جامعه جهانی و منابع مالی آن را به اشکال مختلف به گروگان گرفته و کشور را به مصیبت غیر قابل پیش‌بینی مواجه سازد.

زیر فشار قرار دادن افراد برای استعفا، در تنگنا قرار دادن بسیاری نخبگان سیاسی با هدف دوسازی آنان از حوزه سیاست‌های کلان و ایجاد پست‌های فراقانونی و آن هم مشخص به منظور گزینش افراد مورد نظر، همه و همه در راستای دامن زدن و دسترسی به این هدف برنامه‌ریزی گردیده است. این بازی خطرناک که با مهارت طراحی گردیده، جدا از آن‌که موجب تشویش در داخل کشور گردیده، در سطح منطقه و جهانی نیز اسباب نگرانی و دلهره قدرت‌های منطقوی و جهانی شده است. تحریک روس‌ها به حمایت از یک جبهه تروریسم و حمایت رقبای جهانی آن از جبهه دیگر ترور و وحشت، در مجموع ناشی از سیاست نگران‌کننده و اضطراب‌آور رهبری حکومت وحدت ملی است، که به منظور دامن زدن به بحران طراحی می‌گردد.

مردم افغانستان پس از ایجاد حکومت وحدت ملی انتظار داشت، تا شاهد واقعی حکومت وحدت ملی و مشارکت عادلانه اقوام در قدرت سیاسی بوده و مبارزه با تروریسم با اراده قاطع و تصمیم لازم همراهی گردد. اما برخلاف انتظار مردم افغانستان و جامعه جهانی، رهبری حکومت وحدت ملی نه تنها برای کاهش تنش‌های داخلی توجه لازم نکرد، بلکه با دامن زدن به آن، قدرت‌های منطقه و جهانی را نیز با تنش و مقابله رویاروی هم قرار داده است.

در شرایط چنین دشوار مسئولیت بزرگ، پیش پای مردم افغانستان و به ویژه نخبگان سیاسی آن گذاشته شده، تا به دور از اغراض و مقاصد نفاق‌افکنانه و قومی بکوشند در عرصه راه چاره‌ی در دفاع از انسان محروم و درمانده این کشور اقدامات لازم را در نظر گرفته و بیشتر از این‌که فاجعه به ابعاد گسترده و خانمان‌سوز آن اتفاق افتد، در جلوگیری از تشدید بحران راه حل انسانی ارایه دهند. ورنه آتشی را که تروریسم و حامیان آن در این کشور برافروخته‌اند، بدون شک دامن منطقه و در نهایت بشریت را خواهد گرفت.

یکه‌تازی رئیس‌جمهور در درون حکومت وحدت ملی

طوری که دیده می‌شود حیات حکومت وحدت ملی هر روز با ماجرای جدیدی همراه است. از نخستین روز کاری این حکومت تاکنون که نظر اندازیم متوجه خواهیم شد، در این حکومت برخلاف اسمش، از وحدت ملی هیچ خبری نیست. درون این حکومت نیز مانند بیرون از حکومت که شهروند درجه اول، دوم و درجه سوم وجود دارد، این‌جا مقام سیاستمداران و حاکمان برحسب قوم و قبیله‌شان، به درجه‌های مختلف تقسیم‌بندی شده است. گاهی هم اتفاق می‌افتد که حلقه‌ی دور و بر رئیس‌جمهور حتا سیاستمدار درجه دوم و سوم را نیز قبول ندارند و مانند دانه‌های شطرنج آن‌ها را دانه دانه مات می‌کنند.

در دوران کمپاین، اشرف غنی با شعار "هیچ افغانی از افغان دیگر برتر نیست!"، درست نقطه ضعف شهروندان افغانستانی را نشانه رفت. قدرت در افغانستان مدام در دست یک قوم بوده و دیگر اقوام شهروند درجه دو و سه حساب می‌شدند. با این حساب در مناطقی که مربوط شهروندان درجه دو و سه هستند، کار و آبادانی کمتر صورت گرفته است. بودجه وزارت انکشاف دهات و فواید عامه بیشتر به مناطقی اختصاص داده می‌شد که مثلن محل بودباش شهروندان درجه اول و اقوام حاکمان کشور بود. در این مناطق به دلیل وجود طالبان و گروه‌های مخالف دولت، کار کردن و آباد کردن سرک، مکتب یا هر مکان دیگری کمتر ممکن است یا در کل ناممکن است. اگر هم زمانی یک سرک پخته شود، در نزدیک‌ترین فرصت توسط گروه‌های مخالف با انفجار بمب یا مین‌های کنار جاده‌ی تخریب می‌شوند.

اشرف غنی پس از رسیدن به قدرت، اولین کاری که کرد حذف پسوند (زی) و اضافه کردن (محمد) به اسمش بود. وی خواست با این کارش توجه مردم را به خود جلب نماید و به مردم طوری نشان داد که از قوم و قبیله خاصی نیست. از سوی دیگر با اضافه کردن محمد به اول اسمش، دهن کسانی که عقاید دینی اشرف غنی را مورد انتقاد و بحث قرار می‌دادند، بست. این کار رئیس‌جمهور این‌طور وانمود می‌کند که در افغانستان همه چیز بستگی به «نام» دارد. کسی که اسمش با پیامبر یا یکی از اولیا الله گره خورده باشد مسلمان است و پیرو دین اسلام، و پشتون‌های افغانستان هم با پسوند‌های خاصی مانند زی، خیل و... شناسایی و تفکیک می‌شوند.

پس از بحث و جنجال‌های زیاد و طولانی و پا در میانی وزیر خارجه سابق امریکا، بالاخره رقبای انتخاباتی به توافق رسیدند و حکومتی به نام (حکومت وحدت ملی)، که در تاریخ افغانستان بی‌پیشینه بود، پایه‌گذاری کردند. شاید نام این حکومت خوشایند به نظر برسد و انسان را وادار به مثبت‌اندیشی در قبال کارکردهای حاکمان آن کرد، اما متأسفانه این حکومت نیز مانند حکومت‌های قبلی حتا بدتر از آنان، بذر نفرت، تعصب، کینه‌توزی، یکه‌تازی و... را به سرعت تمام شروع به پاشیدن کرد.

فرد اول حکومت وحدت ملی مربوط به قبیله‌ی می‌شود که در ۳۰۰ سال اخیر بر افغانستان حکومت کرده‌اند. وضعیت کنونی افغانستان به طور واضح نمایانگر حاکمیت و سیاست‌رانی این قوم است. از وضعیت آشفته و نابسامانی‌هایی که اکنون شاهد آن هستیم به خوبی می‌توانیم در مورد تاریخ ۳۰۰ ساله حکومت این قوم قضاوت کرد!

اشرف غنی با پا گذاشتن در ارگ، خواست توجه اقوام دیگر را جلب کند. به این دلیل وی پست‌های تشریفاتی زیادی را به وجود آورد و در هر پست از اقوام مختلف افرادی را گماشت. گفته می‌شود اشرف غنی در شروع حکومتش بیش از ۱۰۰ مشاور در امور گوناگون استخدام کرد. به گفته کارشناسان امور، برخی از این مشاوران، در کابل و حتا در افغانستان نیستند. برخی‌ها هم حتا یک بار رو در رو با اشرف غنی ملاقات نکرده‌اند. رئیس‌جمهور جنرال دوستم را به حیث معاون اول خود انتخاب کرد، ولی جنرال به جای این‌که به فکر مستحکم کردن جایگاهش و کارهای معاونت باشد،

راهی جوزجان و فاریاب شد و در میدان رقابت با رقبای سیاسی‌اش قدرت نمایی کرد. این بی‌فکری جنرال باعث شد تا غنی با استفاده از این فرصت پیش آمده، احمد ایشچی را وارد میدان رقابت نماید و این‌گونه غایله را به نفع خویش تمام کند.

رئیس‌جمهور در آخرین اقدامش، احمدضیا مسعود، نماینده خاص رئیس‌جمهور در امور اصلاحات و حکومتداری خوب را که خودش این پست تشریفاتی را ایجاد کرده و آقای مسعود را در آن گماشته بود، از وظیفه برکنار کرد. اکنون پس از برکناری مسعود و شنیدن حرف‌های دوستان و رقبایان جناب مسعود، تازه فهمیده می‌شود که جناب رئیس‌جمهور با نصب مسعود به حیث نماینده‌ی خاص خودش، چقدر از مقام و منزلت وی پیش دوستان و طرفدارانش کاسته است. آقای مسعود را که به طوری می‌توان جانشین احمدضیا مسعود نامید، اما اکنون دیگر هیچ خبری از آن عزت و منزلتی که قبلن نزد اطرافیان داشت، نیست. بسیاری از دوستان آقای مسعود از برکناری وی طوری خشنود هستند و می‌گویند که این حواش است انگار کسی بگوید: "سزای قروت، آب گرم!"

اشرف غنی پس از این اقدامش اکنون دل جمع است که دیگر سران هیچ قومی در نزد قومش قدر و عزتی ندارد. آقای غنی با ذهن متفکرش کاری کرد که اقوام افغانستان را از هم پارچه پارچه کرد. وی نه تنها به این اکتفا نکرد، بلکه میان اقوام نیز آن‌چنان بی‌اتفاقی انداخت که جمع‌آوری آن‌ها دوباره دور یک میز یا زیر یک سقف، خیلی زمان‌گیر و حتا ناممکن به نظر می‌رسد. اشرف غنی گرچند یک فرد تحصیل کرده و تکنوکرات است، ولی روش حکومتش مانند دیگر حاکمان پشتون به سمت تک‌تازی و تک‌محوری پیش می‌رود. اکنون دیده شود تک‌تازی جناب ایشان تا چه زمانی میان شهروندان کشور و جهانیان خریدار خواهد داشت...

در دوران کمپاین، اشرف غنی با شعار "هیچ افغانی از افغان دیگر برتر نیست!"، درست نقطه ضعف شهروندان افغانستانی را نشانه

رفت. قدرت در افغانستان مدام در دست یک قوم بوده و دیگر اقوام شهروند درجه دو و سه حساب می‌شدند. با این حساب در مناطقی که

مربوط شهروندان درجه دو و سه هستند، کار و آبادانی کمتر صورت گرفته است. بودجه وزارت انکشاف دهات و فواید عامه بیشتر به

مناطق اختصاص داده می‌شد که مثلن محل بودباش شهروندان درجه اول و اقوام حاکمان کشور بود. در این مناطق به دلیل وجود

طالبان و گروه‌های مخالف دولت، کار کردن و آباد کردن سرک، مکتب یا هر مکان دیگری کمتر ممکن است یا در کل ناممکن است. اگر هم

زمانی یک سرک پخته شود، در نزدیک‌ترین فرصت توسط گروه‌های مخالف با انفجار بمب یا مین‌های کنار جاده‌ی تخریب می‌شوند.

امریکا؛ جدیت مبارزه با داعش یا...

پرتاب بزرگترین بمب غیر اتمی به مواضع داعش در ننگرهار همزمان با سفر حنیف اتمر مشاور امنیت ملی افغانستان در (روز پنجشنبه ۲۲ حمل) به این ولایت بود. مشاور امنیت ملی در اظهارات تندی در جمع از نظامیان افغانستان اعلام کرد که دولت افغانستان از موضع ضعف با طالبان وارد گفتگوهای صلح نخواهد شد. مشاور امنیت ملی اضافه نمود که هیچ‌گاهی از طالبان و دهشت‌افکنان صلح نمی‌خواهیم، ما آنان را به صلح مجبور می‌سازیم، این اظهارات در حالی مطرح گردید که ژنرال مک مستر مشاور امنیت ملی امریکا در هفته گذشته طی سفری به کابل با مقامات بلند پایه حکومت وحدت ملی از جمله حنیف اتمر مشاور امنیت ملی دیدار و گفتگو نمود.

ممکن دوباره صاحب تجهیزات و قدرت نظامی شدند علاوه بر آن در پایه‌ریزی ریشه‌های اولیه تفکر افراطی به نام داعش که به جد امروزه نظم جهانی و امنیت بین‌المللی را به مخاطره انداخته نیز سهم سترگ داشته است و ترامپ با این رفتارهای اخیر خود می‌خواهد به مردم آمریکا و منتقدان دولت نشان دهد که او، اوباما و بوش نیست و نمی‌خواهد بیشتر از این امریکا تجهیزات و بودجه‌های خود را صرف پروسه‌های صلح نماید بلکه به تروریستان پاسخ نظامی خواهد داد. آقای ترامپ برخلاف باراک اوباما می‌خواهد دست جنرال‌های امریکایی را در قضیه افغانستان باز نگهداشته و برای آنان اختیارات بیشتری تفویض نماید. ماه قبل جنرال جان نیکلسون فرمانده نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان خواهان افزایش سربازان امریکایی در این کشور گردید تا چالش‌های موجوده را از راه نظامی و آموزش دادن به افسران و سربازان اردوی ملی افغانستان حل‌وفصل نماید و این به معنای رغبت کاخ سفید در جلوگیری حل بحران افغانستان را نشان می‌دهد. ترامپ یک روز بعد از نشست مسکو که در آن روی موضوعات مختلف افغانستان از جمله امنیت و تهدیدات امنیتی در این کشور بحث صورت گرفت دستور حمله به مواضع داعش در ننگرهار را صادر کرد. شاید او با این عمل می‌خواست از یک طرف وعده‌های دوران مبارزات انتخاباتی‌اش را که در آن همیشه تکرار می‌کرد با داعش و دهشت‌افگنانی مانند آن، به مبارزه بخواهد خواست جامه عمل پوشانده و تعهدات خود و دولت‌ش را نسبت به جامعه بین‌الملل و مردم امریکا انجام دهد و از سویی نیز با این اقدام می‌خواهد

ضرب‌وشتمی به روسیه نشان دهد. روسیه در این اواخر بیشتر از هر وقت دیگر در قضایای افغانستان عملن وارد گردیده و خبرها حاکی از آن است که این دولت با مجهز کردن نیروهای طالبان در نقاط مختلف درصدد رقابت با امریکا بوده، هر چند که این اظهارات را مسکو همیشه رد نموده و آن را یک توطئه سیاسی علیه دولت روسیه و شخص آقای پوتین می‌دانند. با تمام این پیچیدگی‌های پشت پرده، دست‌های روسیه در حال فعالیت هستند و در این اواخر به شدت افزایش یافته است. روسیه در این روزها بر روی پرونده صلح با طالبان در چوکات مبارزه با داعش کار می‌کند و این در حالی‌ست که تلاش‌های صلح با طالبان ظاهراً به بن‌بست رسیده، ماه‌است که امریکا در چنین تلاشی نقش جدی نداشته به خصوص پس از بی‌نتیجه ماندن نشست‌های گروه چهار جانبه متشکل از امریکا، چین، افغانستان و پاکستان در واقع این وضعیت فرصت را برای روسیه فراهم کرد تا با فعالیت و جدیت بیشتری وارد بازی افغانستان گردد.

ظاهراً دولت امریکا با اقدامات این چنینی به تنها رقیب سرسخت خود در منطقه اخطار می‌دهد که بعد از این همه خون دادن و مصرف بودجه هنگفت ۶۰ میلیارد دلاری در افغانستان حاضر نیست این میدان را از دست داده تا زمینه برای ورود روسیه به داخل افغانستان فراهم آید. احتمالاً با وجود شدت روابط و تعاملات بین‌المللی واشنگتن و مسکو در این بازی جیوپولیتیکی بنام افغانستان هر کدام از دیگری حریص‌تر بوده و به راحتی مایل نیستند صحنه را ترک گویند.

عقل افغانی و نفی توسعه‌ی...

بخش عمده‌یی از زندگی سیاسی افراد مربوط به این ساختار را تشکیل می‌دهد. تشخیص جایگاه برای افراد صالح و سودمند در این ساختار کار دشوار است. عدالت، انصاف و آزادی در این جا تابو معنی می‌دهد، در کاسه سر افراد منسوب به این ساختار جز سودای مرگ، اندیشه‌یی برای زندگی و رفاه وجود ندارد. در جامعه‌ی تحت سلطه این حاکمیت مرگ همیشه زنده است، مرگ همانند سایه هر موجود زنده را همراهی می‌کند، حتا در خواب با او زندگی می‌کند، فرد در جریان زندگی روزمره‌اش در آن فضای آلوده بار تا پایان زندگی هر روز با سلطه‌ی مرگ در مبارزه است.

عقل این ساختار برای تباهی و نیستی هزاران طرح و برنامه دارد. شرارت در ذهن این ساختار هیچ‌گاه نمی‌میرد. تنها چیزی که در ذهن این روند اجتماعی زنده نیست، آزادی، برابری و عدالت است. در شوره‌زار فکری این ساختار از روز تولد آن این ودیعه طبیعی مرده است. در ذهن بیمار این ساختار مرگ مردم جایگاه والایی دارد. مرگ و کشتار مردم برای او قدرت می‌آفریند، امتیاز می‌دهد و به بقای عمرش کمک می‌کند.

قدرت از منظر این ساختار مرز قانونی ندارد و یا به تعبیر دیگر قانون در بستر فکری این ساختار فاقد جایگاه بوده و در گستره‌ی فکری این نظام عدالت، انصاف و نظم معیاری اسباب تهدید قدرت محسوب گردیده و دشمنی با آن جایگاه مشروع دارد.

استبداد، خشونت، تمامیت‌خواهی قدرت، دامن زدن به نفاق اجتماعی از ویژگی‌های اساسی ایمان این ساختار است. ملاک بدی و زشتی افراد، مربوط و منوط به حمایت آن از رفتار این ساختار است. حمایت از رفتار و کردار این ساختار به افراد امتیازات متعدد می‌بخشد. اولین امتیاز حمایت برای فرد امکان مصونیت زندگی است. در غیر آن زندگی زار گردیده و هر لحظه ممکن است این ودیعه‌ی طبیعی یا الهی و آن هم به بسیار آسانی ازت گرفته شود.

امتیاز دیگر دسترسی به قدرت و حاکمیت روی ساختارهای محکوم اجتماعی است. این امتیاز سبب می‌شود تا با استفاده از قدرت حمایتی این ساختار، هر گونه خیانت و جرم استتار گردیده و برای آن از زبان قدرت مشروعیت داده شود. فرصت‌طلبی و استفاده‌جویی

CIA و طرح پیشنهادی کودتا

به یکی از همکاران ملا عمر

"آی‌اس‌آی مکان جلسه را در یکی از ساختمان‌های دورافتاده که به واسطه مأموران آن سازمان استفاده می‌شد، انتخاب کرده بود. آن ساختمان در منطقه قدیمی کویته که قبلاً اقامت‌گاه نیروهای استعماری بریتانیایی بود، موقعیت داشت. تصور این که ما در یک ساختمان متعلق به آی‌اس‌آی می‌توانیم جلسه سری برگزار کنیم، خنده‌دار به نظر می‌رسید. از سوی دیگر هیچ راهی وجود نداشت تا در آن شرایط یک چنین جلسه‌یی را از آن‌ها مخفی نگهداریم.

زمانی که عثمانی وارد شد، جلیل نیز به دنبالش وارد گردید. جلیل متوجه شد که برای نشستن او چوکی نیست، به همین دلیل با بی‌قراری در کنار میز ایستاده ماند. رویم را به طرفش چرخانده و گفت: "حاجی ملا، بسیار معذرت می‌خواهم" و ادامه دادم که براساس رهنمود واشنگتن، من باید به صورت انفرادی با ملا عثمانی ملاقات کنم.

با این حال گفتگو از طریق مترجم فراز و فرودهای خودش را نیز دارد. گفتگوی ما با رد و بدل کردن سریع چند ادا و حرکت آغاز شد و بعد از آن من این طوری شروع کردم: "شورای علما خواستار اخراج اسامه بن لادن از افغانستان شده است، اما ملا عمر تصمیم آن شورا را رد کرده است. در نتیجه، این اقدام او در واقع خودش را به گونه‌ی رسمی به دشمن امریکا مبدل کرده است. آیا طالبان دیگر نیز می‌خواهند در کنار ملا عمر دشمن امریکا تلقی شوند؟"

به او گفتم: "شما می‌توانید با بسیج نیروهای تان در گام نخست کنترل ادارات کلیدی، جاده‌های اصلی و چهار راه‌های عمده را در قندهار به دست بگیرید. هر کسی که در برابر شما مقاومت کرد، می‌توانید او را بازداشت کنید و یکی از نخستین کسانی که بازداشت می‌شوند، باید ملا عمر باشد. البته من به هیچ صورتی پیشنهاد نمی‌کنم تا به ملا عمر آسیبی برسد، اما منظور من این است که ارتباط او با دیگران باید قطع شود. در عین حال یکی از مهم‌ترین اهداف شما باید این باشد که ساختمان رادیو شریعت را تسخیر کنید و از طریق آن به پخش اعلامیه خود بپردازید. شما باید به افغان‌ها بگویید که براساس دستورالعمل شورای علما عمل کرده‌اید. به مردم بگویید که ملا عمر را به دلیل سرپیچی‌اش از دستور شورای علما بازداشت کرده‌اید. هم‌چنان باید اعلام کنید که عرب‌ها و القاعده باید هر چه زودتر افغانستان را ترک کنند."

در ادامه گفتم: "بعد از آن به سرعت باید علیه اسامه وارد اقدام شوید. او و اطرافیانش بدون هیچ شکی با سرسختی و تا پای جان مقاومت خواهند کرد. هیچ کس نباید بداند که شما علیه اسامه دست به اقدام زده‌اید. آن‌ها دشمنان فراوانی دارند. وقتی جنگجویان دیگر عرب از مرگ اسامه باخبر شوند، آن‌ها متوجه خواهند شد که باید افغانستان را ترک کنند. در مورد چهارده تن از عرب‌هایی که فهرست‌شان را به شما داده‌ام، آن‌ها را باید دستگیر و به صورت مخفیانه به ما تحویل بدهید. تأکید می‌کنم که وقتی آن‌ها تحت بازداشت ما درآمدند، هیچ کس نخواهد دانست که ما چگونه آنها را بازداشت کرده‌ایم. در عین حال با شروع فرار عرب‌ها از افغانستان، بیشتر مردم تصور خواهند کرد که ما آن‌ها را در کشورهای همسایه دستگیر کرده‌ایم. می‌دانم که این کار برای شما خطرناک است. اما شما خود به من گفتید که شما آنقدر هم نگران جان خود نیستید. بنابراین این فرصتی است که شما کشور خود را نجات دهید."

در آخر اضافه کردم: "شما باید بدانید که برای اجرای این کار اگر به هر چیزی نیاز داشته باشید، ما آن را در اختیار شما قرار خواهیم داد. در چهره عثمانی خواندم که تصور کرد من برای او مقدار زیادی پول خواهم داد، اما این نکته را به روی خود نیاورد."

منبع: ۸۸ روز تا قندهار، نویسنده: رابرت ال. گرینبیر، ترجمه: سنجر سهیل، چاپ دوم، کابل، تابستان ۱۳۹۵،

- تنها "گپ مردم" بازتاب‌دهنده‌ی موضع‌گیری رسمی نشریه است و مسئولیت نوشته‌های دیگر به عهده‌ی نویسندگان آن می‌باشد.
- "صدای مردم افغانستان"، از ارسال نوشته‌های خوب شما استقبال می‌کند. اداره‌ی نشریه در ویرایش، نشر و یا عدم نشر نوشته‌ها دست باز دارد.

فیس‌بوک: هفته‌نامه صدای مردم

آدرس دفتر: کابل، کارته ۳، سرک شش، نزدیک ریاست پاسپورت

مدیر مسئول

عبدالخالق آزاد

شماره‌ی تماس: ۰۷۹۸۵۷۷۸۰۸

سر دبیر

مریم مهتر

ایمیل: mnabavi3@gmail.com

ایمیل: sadaaym@gmail.com

زیر نظر شورای نویسندگان

سال چهارم، یکشنبه، ۳ ثور ۱۳۹۶ هجری خورشیدی، ۲۳ اپریل ۲۰۱۷ میلادی

شماره‌ی ۱۲۹

محمد نسیم نظری

نقد اجتماعی

حکومت وحدت ملی و سه راهکار

م. آزاده

سال گذشته از موجودیت پایگاه‌ها و نقاط استقرار گروه‌های منسوب به داعش، اغلب در شرق کشور و ولایات محدود در جنوب و مرکز صحبت می‌شد. اما در سال جاری که تا هنوز برج نخستین آن به سر نرسیده، داعشی‌ها در سرتاسر کشور مانور می‌دهند و با بمب ده تنی هم امکان مهار آن بعید به نظر می‌رسد. در کنار این تراژدی رو به گسترش ردپای چکمه‌پوشان روسی در کنار طالبان نیز در چندین ولایت شناسایی شده است. این گونه گزارشات تکان‌دهنده زمانی رسانه‌یی می‌گردد، که مشروعیت دولت، اعم از قوه مقننه، مجریه و قضائیه در مجموع زیر سؤال بوده و حکومت وحدت ملی به عنوان مولود نامشروع، در هیچ بخشی از کشور نتوانسته اعتماد اجتماعی را با خود داشته باشد. شکاف میان دو تیم حکومت‌گران، که اساسن به منازعه دفاع از منافع قومی برمی‌گردد، سبب گردیده، تا هر نوع رفورم و اصلاح که رنگ و بوی غیرقومی داشته باشد، به میان نیاید.

این وضعیت که ثبات پایدار سیاسی و دوام حکومت وحدت ملی را در زیر سؤال برده است، امریکایی‌ها را ناگزیر به اعزام نیروهای جدید و استفاده از بزرگ‌ترین بمب غیرهستوی برای مهار اوضاع کرده است.

نظم نیم‌بند کنونی که زاده‌ی روابط کج‌دار و مریز تیم‌های سهیم در قدرت‌اند، هر آن ممکن است موازنه را از دست داده و کشور را با بحران غیرقابل پیش‌بینی مواجه سازد. این نظم که دقیقین از نظم بین‌المللی و منطقه رنگ گرفته، در چنین شرایطی که بحران میان روسیه و امریکا به نقطه حساس و غیرقابل پیش‌بینی کشیده شده، تیم‌های دخیل در قدرت می‌توانند با انتخاب چند گزینه با ثبات نیم‌بند کنونی حداقل در شهرها و مراکز ولایات بازی سیاسی نموده و اوضاع را به طرف ثبات و بی‌ثباتی جهت دهند.

۱- ادامه سیاست تمامیت‌خواهی قومی، در این صورت تیم‌های دخیل در قدرت با استفاده از موقعیت و جایگاه‌شان هر کدام روی تقویت زنجیره‌ی روابط قومی‌شان تکیه کرده و در اتکا به این شیوه به شکل غیرارادی منازعه را در سطح وسیع‌تر از این انکشاف داده و کشور را به طرف بی‌ثباتی و در جهت همسویی با منافع شبکه جهانی تروریسم و بی‌امنیتی مسیر خواهد داد.

۲- تعامل درونی و حق امتیاز نسبی به تیم رقیب، در آن وضعیت امکان آن وجود دارد، که ثبات سیاسی اندک منبع حمایت دولتی یافته و روابط در حال تعامل همانند یک و نیم دهه‌ی اخیر زمینه‌ی دسترسی به قدرت، امتیاز و به حاشیه راندن توده‌های عام جامعه را کماکان در حلقه‌های خاص حفظ نماید. در این صورت معامله و چانه‌زنی درون حلقه‌های سهیم در قدرت به بازی اصلی سیاست در کشور تبدیل گردیده و هر که تیمش قوی و مؤثر باشد همانند تقسیم شکار در جنگل، به سهم بیشتر دست یافته، و دیگران را از دسترسی به سهم مشابه همانند گذشته بی‌بهره ساخته و با قانون‌شکنی و استفاده از فرصت زمینه دسترسی به قدرت و ثروت بادآورده را تداوم می‌بخشد.

۳- تحقق ثبات سیاسی و صلح پایدار از طریق مشارکت ملی نگاه به شایسته‌سالاری و قانون‌مداری، در این وضعیت حاکمیت تبدیل به روند تسهیل‌کننده و همگانی‌سازی قدرت و امتیاز گردیده و تعامل برای مشارکت، اعتماد ملی و زمینه همکاری متقابل را به میان آورده، و در نتیجه ساختار قدرت با صبغه‌ی ملی در مقابله با تمام چالش‌ها و آن هم بسیار به آسانی می‌تواند مقابله نماید.

گزینه‌ی سوم یگانه راهکاری است، که در تکیه به آن حکومت وحدت ملی می‌تواند به یک اعتماد و اعتبار ملی دست یافته و احترام متقابل را میان اقوام و ملیت‌های ساکن در این کشور به وجود آورده و چارچوب اساسی برای تداوم ثبات سیاسی، صلح و امنیت را تهداب‌گذاری نماید. در این صورت جلو مداخلات کشورهای ذیدخل در منطقه نیز گرفته شده و کمک‌های بین‌المللی در کنار امکانات محدود داخلی می‌تواند امیدواری بیشتری را برای زندگی ساکنان این سرزمین فراهم سازد. در غیر آن انتخاب گزینه اول به همان بی‌ثباتی ادوار پیشین منجر گردیده و تکیه روی گزینه دوم می‌تواند ثبات پایدار و واقعی را هم چنان در فضای تاریک و ایهام‌آلود کنونی قرار دهد.

حکومت وحدت ملی کانون پست‌های تشریفاتی



آنست و ده‌ها عنوان این چنینی که از هیچ جهت کارایی نداشته بلکه فقط کاریابی برای افراد بیکار می‌باشد ایفا می‌کنند. این روند تفکیک سره از ناسره و کارا از غیرکارا را به دشواری مواجه ساخته است. عالی جنابان رییس جمهور و رییس اجراییه به دلیل این که بتوانند تعهدات دوران مبارزات انتخاباتی‌شان را به اشخاصی که بیشترین سهم را در پیروزی آن‌ها داشته جامه عمل پوشانده و نوعی خدمت در حق‌شان روا داشته باشد افرادی را که اکثرن فاقد مدارج علمی معتبر و سابقه کارشناسی در امور محوله و نیز تجربه در ساختار اداری را نداشته به سمت‌هایی چون مشاوریت می‌گمارد و از این طریق استفاده‌های ابزاری که در دنیای سیاست معمول بوده از آنها نموده و پست مشاوریت را تبدیل به یک اردوی سیاسی کرده است. امروزه آن‌چه این کشور نیاز مبرم به آن داشته افرادی مسلکی با ظرفیت‌های بلند و تجربه فعالیت در بخش‌های حکومت‌داری و مدیریت نیروی‌ها و پوتانسلی‌های موجوده می‌باشد که متأسفانه این مهم همیشه در این ساختار مدنظر نبوده دولت‌مردان نیز با آن برخورد سطحی نموده‌اند. اما آن‌چه در این حکومت بیشتر به انتظار عمومی از طریق شبکه‌های ارتباطی نمایش داده شده همان پست‌های تشریفاتی چون: مشاوریت، شورای صلح، نمایندگی از رییس جمهور در موارد به خصوص، تشکیل و ایجاد کمیسیون‌های بی‌جهت که در میدان عمل و تجربه بارها شکست خورده و از کارآمدی لازم بهره‌مند نبوده و فاقد مشروعیت حقوقی می‌باشند. وقتی هزینه ماهیانه مشاوران دفتر ریاست جمهوری، ریاست اجراییه، وزارت‌خانه و معینیت‌هایی که بیش از حد معمول مشاور دارند محاسبه شود، در سطح عموم بودجه کلان دولت به دست این طیف می‌رسد و این چیز است که باید از آن به عنوان یک فاجعه در عصر دموکراسی نام برد. بجاست که حکومت وحدت ملی به جای باج دادن‌های بی‌جهت با مطالعه دقیق و همه‌جانبه از شرایط کنونی کشور از تعداد مشاوران کاسته به مسایل بنیادی‌تری که می‌توانند در دراز مدت دستاورد مطلوبی را به همراه داشته باشند توجه نمایند. در زمینه سکتورهای خصوصی، معارف، زراعت، اقتصاد و مسایلی از این دست که بدون شک بنیاد یک کشور را ساماندهی می‌نماید سرمایه‌گذاری کند. همچنین توجه به ادارات محلی چون ولایت‌ها و ولسوالی‌ها از اهمیت اساسی برخوردار بوده و باید در زمینه اقدامات جدی روی دست گرفته شود.

آماري که برخی از مراکز خبری پخش نموده رئیس جمهور به تعداد ۱۸۰ نفر مشاور و ریاست اجراییه با شمول داوود اساس مشاور سلب صلاحیت شده دارای ۱۶۲ نفر مشاور در بخش‌ها و سکتورهای گوناگون می‌باشند البته اگر مشاورین وزارت‌خانه‌ها نیز به این آمار افزوده شود یک رقم سرسام‌آوری را تشکیل می‌دهد. برخی از این مشاورین را به صورت قطع می‌توان گفت که در طول یک سال شاید یک‌بار هم نتوانند به ملاقات رییس جمهور و رییس اجراییه مشرف شده و راهکارهای‌شان را در بخش مربوطه به آنان گوشزد نموده و در امر مشوره‌دهی نقش ایفا نمایند. شاید تعداد انگشت‌شماری از آنان سعادت ملاقات عالی جنابان را آنهم به علت روابط حسنه و رفاقت‌های گذشته کسب نمایند اما اکثریت آن‌ها تنها از امتیازات این بست‌های تشریفاتی مانند: معاشی که حداقل از ۵۰۰۰۰ افغانی کم نیست، دفترکاری جهت تماس گرفتن با مقامات دیگر، دستیار، گارد و موترهای زرهی دولتی مستفید می‌شوند و امتیازات از راه رسیده را با کمال میل به اغوش می‌فشارد و کاری به کاری حکومت ندارد و این دقیقین چیز است که حکومت نیز از آن‌ها می‌خواهد. وعده دیگری از آن‌ها که از بودن در دفتر کاری‌اش به علت فقدان مسؤلیت اجرایی و عملی در قبال سیاست‌های کلان حکومت خسته می‌شوند در ادارات دولتی به لایبگری پرداخته و به معاش ماهیانه‌شان می‌افزاید. مشاوریت امروزه در محیط سیاست افغانستان به حدی رایج گردیده که دیگر کم کم تبدیل به یک سنت سیاسی می‌شود. هر وزیر یا معینی که در یک اداره مشغول به کار می‌گردد عده کثیری از وابستگانش را در اطراف خود به نام‌هایی چون مشاور، عضو کمیسیون خیالی، رییس تشریفات، مسؤل کمیته اصلاحات اداری که خود اولین متخلف

از جمله‌ی پست‌های تشریفاتی خردوبزرگ در داخل ساختار حکومت پست تشریفاتی مشاوریت

می‌باشد که این روزها به شدت وجودی آن افزوده گشته و هر کسی که بدنبال کاری می‌گردد

در آن استخدام گردیده و معاش مفت بدست می‌آورد. طبق آماري که برخی از مراکز خبری

پخش نموده رئیس جمهور به تعداد ۱۸۰ نفر مشاور و ریاست اجراییه با شمول داوود اساس

مشاور سلب صلاحیت شده دارای ۱۶۲ نفر مشاور در بخش‌ها و سکتورهای گوناگون می‌باشند

البته اگر مشاورین وزارت‌خانه‌ها نیز به این آمار افزوده شود یک رقم سرسام‌آوری را تشکیل

می‌دهد. برخی از این مشاورین را به صورت قطع می‌توان گفت که در طول یک سال شاید

یک‌بار هم نتوانند به ملاقات رییس جمهور و رییس اجراییه مشرف شده و راهکارهای‌شان را

در بخش مربوطه به آنان گوشزد نموده و در امر مشوره‌دهی نقش ایفا نمایند.